

ایثار محبت محور با طعم مولانا

دکتر عادل مقدادیان^۱

حسین اکبری کتابی^۲

چکیده

ایثار را ترجیح دادن دیگری بر خویش دانسته‌اند درحالی که خود ایثار کننده نیز به آنچه می‌بخشد، تعلق و نیاز داشته باشد. اما چه عوامل و محرک‌هایی باعث می‌شود که انسان‌ها اهل ایثار شوند؟ پاسخ این مسئله، یکی از مقولات فلسفه‌ی اخلاق است اگر ایثار را یک مسئله‌ی اخلاقی بدانیم. اما نکته اینجاست که چه ایثار ناشی از انقیاد به دستورات دین باشد و چه به سبب عشق، بیش و پیش از آنکه مقوله‌ای اخلاقی باشد، از مقولات عرفانی سرچشمه می‌گیرد. ایثار به سبب باور دینی، حاکی از امید به وعده‌هایی است که دین برای ایثارگران تعیین کرده است و چنین ایثاری، سازه‌ای است که بنیان آن از عرفان دینی (عرفانی با دو انگاره‌ی مبدأ و معاد) سرچشمه می‌گیرد. در سر دیگر این طیف، ایثار عاشقانه نیز ولو خارج از عشق ماورائی خدامحور سامی یا عشق سرور محور عرفان‌های شرقی، باز نگاره‌ای عرفانی قلمداد می‌شود. در میانه‌ی این طیف نیز، ایثار زهد محوری که ناشی از بی‌اهمیتی به دنیا باشد، ایثار محبت محور که ناشی از ترجیح حب محبوب بر متعلقات خود باشد، یا هر نوع ایثار دیگری، باز از مقولات برخاسته از منازل عرفان عملی است. بنابراین سرچشمه‌های پدیدآورنده‌ی روحیه‌ی ایثار، حتماً عوامل عرفانی هستند. این نوشتار به تبیین این سرچشمه‌ها در آموزه‌های عرفانی پرداخته است.

کلیدواژگان: ایثار امید محور، ایثار زهد محور، ایثار سرور محور، ایثار عشق محور

^۱ . عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی اهلبیت (ع).

^۲ . حسین اکبری دانشجوی کارشناسی ارشد عرفان اسلامی دانشگاه بین‌المللی اهلبیت (ع). شماره تماس ۰۹۳۰۷۹۳۲۲۰۱ و ایمیل: hussainakbari802@gmail.com

مقدمه

ایثار یکی از ویژگیهای مهم مربوط به انسان میباشد که همزاد تاریخی او به حساب می‌آید. طرز نگرش به معنی و مفاهیم نظر به استمرار بشر در مکاتب گوناگون زمزمه شد و مورد بحث قرار گرفته و چنین به نظر می‌آید که افراد و جوامع به یک نحوی تابع آن میباشد؛ بنابراین تعریف‌های متفاوت از آن ارائه داده است علی‌رغم آن مشترکاتی نیز دارند. در بین تمام ملل و نحل که بیشترین عناصر مشترک را دارد عرفان میباشد که در گفتار مولانا به خوبی نمایان است.

به نظر می‌رسد ایثار محبت محور که مولانا در آثار خود از آن میستایند و طالب آن هستند خود نوعی عشق و دل‌بردگی را دنبال دارد به سوی کمال در حرکت است. چون عشق همان امانت الهی است که انسان آن را به دوش میکشد، عشق جان‌مایه‌ی سلوک و عمل عرفانی است که ایثار باعث استمرار در سیر و سلوک میشود.

تعلیم و تربیت صحیح فرد فرد جامعه لازمه برخورداری در پرتو تعالیم ایثار محبت محور و برجسته نمودن فرهنگ دوستی و خود گذری که همان خواسته‌های عالی‌ای انسان کامل و یا ابر انسان است تحقق یابند دقیقاً درگیر و ایثار میباشد. سیر جهانی شدن ایجاب میکند که طرز تلقی ما نسبت به جهان، انسان، علم، تعلیم و تربیت و شیوه‌های آن باید رنگ و بوی ایثارگرایانه و آگاهانه باید مطابق با تحولات جامعه مدرن، تجدید ساختاریافته تا بتواند پاسخ گوی نیازها و خواسته‌های افراد جامعه بوده و فرهنگ جامعه را در جهت تعالی سوق دهد.

۱- ایثار در لغت و اصطلاح

ایثار در لغت ترجیح دادن دیگری است بر خود. در قرآن کریم است و حقیقت «ایثار» در اصطلاح عارفان «بذل جان» است. (هجویری، ۱۳۷۵: ۲۳۶-۲۴۴) ایثار در لغت‌نامه به معنای برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و مانند آن است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۵۵۰)؛ به عبارتی به معنای از خودگذشتگی و ترجیح و برتری دادن به آنچه مطلوب دیگران است و در اصطلاح عبارت است از: بخشش مال به کسی، باوجود نیاز به آن (نراقی، ۱۳۰۹ ج ۲: ۱۲۲).

۲-۱. جایگاه ایثار در قرآن

مصادیق که قرآن کریم از سرگذشت ایثار در تاریخ بشریت بیان می‌فرماید که ایثار کار انسانهای مدبران و متفکران است و با تمام ابعاد و ملاک انسانی آن چنین ستوده است. حضرت ابراهیم (ع) را به‌عنوان الگو معرفی می‌کند؛ چنان بسط می‌دهد که حتا به یک نحوی بنیانگذار ایثار از ایشان سخن می‌رود.

ایثار در واقع رشد و معرفت انسانی است و این در زمانی صورت می‌گیرد که بشر به رشد و تکامل روحی و روانی برایش ایجاد شود. قرآن کریم ایثار را این‌چنین معنا و تفسیر می‌کند: *وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ*؛ و بر خود می‌گزینند (دیگری را) هرچند که نیازمند باشند (حشر / ۹).

۲. ایثار محبت محور

نجم الدین رازی به این باور بودن که: عاشق تعبد حق نه از بهر بهشت و دوزخ کند یا از بهر کمال و نقصان، بلکه از راه بندگی صرف کند و ضرورت محبت. قشیر نیز همانند نجم الدین رازی می‌اندیشد که عشق محبت را نباید از همدیگر جدا در نظر گرفت بلکه این هر دو زائیده هم‌اند و یا عبارت دیگر که یک روح در دو بدن است.

و گفته‌اند محبت ایثار است چنانکه زن عزیز مصر گفت چون اندر دوستی یوسف به نهایت رسید گناه همه باز سوی خویش آورد گفت انا راوده عن نفسه این همه من کردم، من او را به خویشتن دعوت کردم بر خویشتن به خیانت گواهی داد و اندر ابتدا عزیز را گفت ما جزاء من اراد باهلك سوء الّا ان يسجن جزاء آن کس که با اهل تو بدی خواهد چیست مگر آنک او را اندر زندان کنی، در آن نیز مسامحت کرد. زندان فرا پیش داشت از بیم بلاء دیگر سختر از آن (قشیریه، تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، ۱۳۷۴: ۵۷۱).

غزالی ایثار را به دو بخش تقسیم می‌کند یکی بدان که سخا و بخل درجه‌ها دارند و عالی‌تر درجه سخا را ایثار است؛ و ایثار آن است که مال بدهد با آنچه محتاج باشد و سخا عبارت است از بخشیدن چیزی که به او احتیاج نباشد، محتاج را یا غیر محتاج را؛ و بخشیدن با حاجت قوی‌تر بود؛ و دیگر اندر محبت و اندر ایثار حق صاحب نوعی از رنج و کلفت است اما اندر ایثار حق دوستی همه روح و راحت است (غزالی، ۱۳۸۶: ۲۳۷).

عشق و ایثار در کنار هم معنی کامل خود را پیدا می‌کند و به تنهای نمیتواند کامل باشد یعنی در حقیقت لازم و ملزوم یکدیگرند؛ شخص عاشق باید ایثارگر باشد تا به محبوب خود برسد؛ ابن عربی جایگاه ایثار و فداکاری

چنین مینگارد به داستان مشهور جوانی است، چون دید مردم قربانی تقدیم می‌دارند و در آن مکان جان می‌دهند، جان خود را در منا در راه حق ایثار کرد؛ ایثار یعنی جان خود را برای حضرت محبوب قربانی کردند است (ابن عربی، بی تا: ۱۰۰).

میبدی این پیام را با زبان‌های مختلف تکرار میکند، ما نمی‌توانیم صفتی را که در خود نداریم در دیگران تشخیص دهیم. اگر کسی عاشق نباشد نمی‌تواند معنای عشق را بدان و از محبوب خویش حرف شنویی داشته باشد، مثلی ابراهیم خلیل که هرکسی اسم محبوبش را میگفت برایش مال و منال میداد، قصه معروف است که ابراهیم خلیل در بیان گوسفندان خود را به چراگاه برده بودند تا اینکه کسی آمد اسم محبوبش را گرفت برایش نصف رمه خود را داد و گفت اگر یکبار دیگر اسمش را تکرار کنی همه رمه خود را تو می‌بخشم.

ما را همه هر چه هست ایثار تراست	گوش از قبل سماع گفتار تراست
دیده نظر جمال بسیار تراست	جان و دل و دین نثار دیدار تراست

(میبدی، ۱۳۷۱: ۵۷، ج ۲).

حلاج شهید عشق راه حق که ذره ذره وجودش ترنم محبوب را زمه زمه کرد، گاهی با قلب و گاهی با عقل گاهی با ماندگاری و گاهی بر زبان گاهی لابه لای شعر و گاهی هم با ریاضت؛ اما کمتر کسی است که مانند او با عشق زندگی کرد از جان و مال خود مایه گذاشت، همچون فرهنگ و منطق در هیچ مکتب یافت نمی‌شود تنها عاشقان پاک باز است که با عشق زندگی می‌کند، همه ماسوالله را قربانی خداوند جمال و جلال می‌کند.

تافت بر جان و دلم انوار عشق	ای هزاران جان و دل ایثار عشق
بر میان جان خود بستیم باز	از پی تر سائی زنار عشق
گر بدیدی روی او مؤمن شدی	کافری کوی میکند انکار عشق

(حلاج، ۱۳۰۵: ۶۳)

۳. ایثار امید محور

ایثار یکی از مؤلفه‌های مهم در آیین اسلام می‌باشد که همواره سخن از خدمت کردن به خلق و احسان به مردم و خودش می‌باشد یک ارزشی سترگ در منطق دوستی و ایثار هستند که اگر در برادر خود عیب می‌بینی، آن عیب در دوست که در او می‌بینی، اگر امید به آینده نداری در واقع فرهنگ ایثار در وجود تو هنوز هم زنده نشده است. اگر دغدغه محبت و خدمت به مردم و درد مردم را نداری، بازهم در نهاد تو فرهنگ ایثار رشد نیافته‌اند. پس ایثار آن وقت به در تو تحقق می‌یابد که خودنمایی در وجود تو مرده باشد امید محض فرا گرفته باشد و خود را با دوست یکی بینی، در حقیقت از خود اختیار نداشته باشی همه هستی خود را مربوط به آن بینی.

ای خدای بی نظیر ایثار کن	گوش را چون حلقه دادی زین سخن
گوش ما گیر و بدان مجلس کشان	کز رحیقت می خورند آن سرخوشان
چون بمـا بویی رسانیدی ازین	سر منبد آن مشک را ای رب دین

(مولانا، ۱۳۷۳: ۶۵۳).

حلاج که خود به‌عنوان اسوه آرزو بود، نباید به آستین پاره‌اش خندید که او برای دیدن حضرت دوست لحظه شمار می‌کرد، حتا از جان خویش را نثار راه وصال و آرزو دیدن معشوق کرد با خون خود امضایی وفاداری را به فرهنگستان معشوق به یادگار گذاشت.

من که ز عشق مردنم هر نفس آرزو بود	بهر لقا جاودان آب حیات می چشم
باده عشق می برد درد سر خمار عقل	ساقی عاشقان بده زان می ناب بی غشم

(حلاج، ۱۳۰۵، ۸۳)

۴. ایثار سرور محور

امیر مؤمنان از ایثار به‌عنوان برترین عبادت و بزرگ‌ترین مایه سرور یاد کرده؛ چهره خندان مولانا، سراسر موج از ایثار و امید را برای جهانیان عرضه می‌دارد مست غزل‌خوان سلام میکند به محبوب و هستی و جلوه‌های حق

وصال را از بلندترین هدف خود میدانند. به عبارت دیگر روح خود را در کالبد خاکی خود زندانی احساس میکنند و قلوب عارفان مشتاقانه شیفته و روانها شوریده آن محبوب هستند و به خاطر آنها اعمال الهی، به اعمال ایثار و فداکاری خود می پردازند.

ای جان جان ای جان جان مستان سلامت می کنند ای تو چنین و صد چنان مستان سلامت میکنند
اینجا یکی با خویش نیست مستان سلامت می کنند یک مست اینجا بیش نیست مستان سلامت میکنند
ای آرزوی آرزو مستان سلامت می کنند آن پرده را بردار زو مستان سلامت می کنند

(مولانا، ۱۳۸۴: ۵۳۵).

اهل دین را باز دان و از اهل کین همنشین حق بجو با او نشین
هر کسی بر قوم خود ایثار کرد کاغذ پندارد که او خود کار کرد

(مولانا، ۱۳۷۳: ۱۴۹)

و در جای دیگر میگوید ای نسل بشر پرهیز و دوری از فرهنگ ایثارگری باعث رسوایی شما است.

عاشقا کمتر ز پروانه نهایی کی کند پروانه ز آتش اجتناب
پروانه که دود گرد دود آلود است و خام و رسواست

۵. ایثار زهد محور

ایثار زندگی را مملو از زهد میسازد؛ آن باعث میشود که زاهد را به آن مقام بلند در پیشگاه محبوب برساند. کسی که زاهد باشد، لزوماً ایثارگر هست و ایثارگری شان هم بر اساس اخلاص می باشد. ایثار از پرشکوه ترین مظهر انسانیت است، همان طوری که در بحث های قبلی اشاره شد، انسان ایثارگر نزد خداوند (ج) عزیز می باشد. شخصی که ایثارگر باشد سختی های زندگی را تحمل می نماید ولی دیگران را نمی تواند به سختی و مشکلات ببیند، از هر راهی تلاش برای رفع نیاز دیگران مینماید اگر خودش به سختی و مشکلات رودر رو شود با مشکلات مقابله نموده و نیاز شخص مورد نظر را برطرف می کند و از این کار خودش لذت می برد.

یکی از فلسفه‌های زهد ایثار است. اثره و ایثار هر دو از یک ریشه‌اند. اثره یعنی خود را و منافع خود را بر دیگران مقدم داشتن و به عبارت دیگر همه چیز را به خود اختصاص دادن و دیگران را محروم ساختن؛ اما ایثار یعنی دیگران را بر خویش مقدم داشتن و خود را برای آسایش دیگران به رنج افکندن. زاهد از آن جهت ساده و بی تکلف و در کمال قناعت زندگی می‌کند و بر خود تنگ می‌گیرد تا دیگران را به آسایش برساند، او آنچه دارد به نیازمندان می‌بخشد زیرا قلب حساس و دل دردآشنای او آنگاه به نعمت‌های جهان دست می‌یازد که انسان نیازمندی نباشد. او از اینکه نیازمندان را بخوراند و بپوشاند و به آنان آسایش برساند بیش از آن لذت می‌برد که خود بخورد و بپوشد و استراحت کند. او محرومیت و گرسنگی و رنج و درد را از آن جهت تحمل می‌کند که دیگران برخوردار و سیر و بی‌دردسر زندگی کنند (مطهری، ۱۳۵۴، ص، ۲۲۲).

زاهد برای رضای خداوند (ج) از خود ایثار می‌نماید به دنیا و مال دنیا دل نمی‌بندد دست و دل خود را از مال دنیا خالی می‌کند و تنها عشق و محبت خداوند (ج) را در دل می‌پروراند قلب خود پر از عشق خداوند می‌نماید و برای رضای او و از روی اخلاص در راه او ایثار می‌نماید.

زهد یکی از مقامات است که باید سالک آن را طی نماید، زیرا در عرفان باید از رنج تعلق آزاد بود و به خاطر وصول به حق از جهان و هرچه در او است گذشت و این مرحله زهد کامل است که خاص متتهیان است، چه زهد مبتدیان، خالی بودن دست و دل از مال و محبت دنیاست و زهد متوسطان ترک لذات نفس است و زهد واصلان چهار تکبیر زدن است یکسره بر هرچه که هست (فرشباغیان، ۱۳۸۷، ص، ۱۴۵).

۶. ایثار تزکیه محور

یکی از تأثیر مهم ایثار در زندگی هر فرد به عنوان عامل ادامه‌دهنده پاک زیستن می‌باشد؛ تزکیه صفات ناشایست از دل و تهذیب و آراسته کردن آن به فضایل و معارف و صفات حقیقی انسان که به شیوه‌های مختلفی مانند صبر برابر سختیها، مراقبه و... حاصل میشود انسان باید ایثارگر باشد. تزکیه و تهذیب از راههای مهم در تغییر آدمی و جهت‌دهی او به سمت هدف اصلی و کمال حقیقی او یعنی رسیده به محبوب است:

گر ز نام و حرف خواهی بگذری
پاک کن خود را ز خود هین یکسری
همچو آهن ز آهنی بیرنگ شو
در ریاضت آینه بیزنگ شو

خویش را صافی کن از اوصاف خود

تا ببینی ذات پاک صاف خود

(مولانا، ۱۳۷۳: ۱۵۶)

۷. ایثار صبر محور

تو به یک خاری گریزانی ز عشق

تو به جز نامی چه میدان ز عشق

عشق را صد ناز و صد استکبار هست

عشق با صد ناز میآید بهدست

عشق چون وفای است وفا میخرد

در حریف بی وفا میننگرد

(مولانا، ۱۳۷۳: ۶۹۳)

شخص عاشق جز وصال نمیخواهد و در راه رسیدن به معشوق از چیزی دریغ نمی‌کند و هرچه دارد در راه رسیدن و برای رضای معشوق می‌دهد و فقط رضایت معشوق را می‌خواهد، مردان خدا که ایثار می‌کنند مانند ما فکر نمی‌کند که مال و جان خود را در راه رضای حق از دست می‌دهند آن‌ها مال خدا را در راه رضای خدا از دست می‌دهند، آن‌ها مال خدا را در راه رضای خدا انفاق می‌کنند (بینا، ۱۳۷۴، ص، ۶۷).

و از ابوسعید خراسانی حکایت کنند که گفت پیغامبر را صلی الله علیه و سلم بخواب دیدم و گفتم یا رسول الله معذورم دار که دوستی خدای مرا مشغول بکرده است از دوستی تو گفت ای مبارک هر که خدای را دوست دارد مرا دوست داشته باشد (قشیریه، تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، ۱۳۷۴: ۵۷۲).

گویند رابعه مناجات همی‌کرد و گفت الهی دلی که ترا دوست دارد به آتش بسوزی هاتفی گفت ما چنین نکنیم بما ظن بد مبر؛ و گفته‌اند حب دو حرفست حا و با اشارت بدو آنست که هر که دوست دارد بگو تا از جان و تن بیرون آید؛ و چون اجماع است میان قوم که محبت موافقت است و نیکوترین موافقت‌ها موافقت دل است و محبت آنست که از دوی بیزاری ستانی زیرا که محب دائم با محبوب بود (قشیریه، تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، ۱۳۷۴: ۵۷۲).

۸. ایثار محبت محور با طعم مولانا

ترویج فرهنگ محبت محور ایثار حرفه‌ای در جامعه بر مؤلفه‌ها مختلف استوار است. تجزیه و تحلیل همه مؤلفه‌ها در یک مقاله میسر نیست؛ با آن‌هم از آموزه‌های شاخص و لازم ایثار سخن رفته یک تصور کامل را بیان داشته که ایثار و عشق زائده یک تفکر و یک انقلاب است، این از خودگذشتگی و ترجیح و برتری دادن به آنچه مطلوب دیگران است هم‌زمان صورت می‌گیرد نه جدا از هم؛ عشق و ایثار در کنار هم معنی کامل خود را پیدا می‌کند و به تنهای نمی‌تواند کامل باشد یعنی در حقیقت لازم و ملزوم یکدیگرند.

عشق همان تمایل شدید به معشوق حقیقی از اهداف واسطه‌های تربیت عرفانی مولانا است که در پس ترک تعلقات مادی و به صورت عنایت برای آدمی پدیدار می‌شود. مولانا سعی دارد افراد در عشق اسیر شوند تا به خوبی معنای آن را بفهمند. عشق حتی می‌تواند نسبت به دیگرانی مانند پیر باشد که بدین ترتیب می‌تواند به سیر به سمت معبود ازلی نقش داشته باشد. تنها کاری که مولانا برای فهماندن این لطیفه ربانی مینماید، دادن نشانی‌های آن است تا ارتباطی هرچند ناقص با آن برقرار شود. زنده شدن و تازگی و دولت پاینده شدن، عامل سیری و غذای روح و... تعبیر مولانا برای ویژگی‌های عشق است. عشق مغناطیس است؛ یک‌دم جان را به کلی به فنا می‌دهد؛ سپس دوباره دام و دانه می‌شود تا مرغ جان را جرعه‌های از شراب حقیقت بچشانند و همه این‌ها فقط آغاز عشق است؛ هیچ‌کس به آخر آن نتواند رسید. در نظر مولانا عشق حقیقی این است که به حضرت احدیت مربوط شود و از آمیختگی و شراکت غیر مبرا باشد. توجه کردن به غیر و دیگری را در نظر آوردن از عشق حقیقی دور است ضمن اینکه عشق حقیقی به آدمی قدرت از خودگذشتگی نیز می‌بخشد. عشق حقیقی سریع‌ترین انگیزه و موتور محرک آدمی به سمت فنا و بقای در حق است و باید کوشید که ضمن توجه و استفاده از آن در نظام تربیتی، افراد را به سمت غرق شدن در آن هدایت کرد:

شرح عشق از من بگویم بر دوام صدف قیامت بگذرد وان نا تمام

(مولوی، ۱۳۹۲: ۷۲۷)

عشق تو منادیی به عالم در داد تا دل‌ها را به دست شور و شر داد

و آنگه همه را بسوخت و خاکستر کرد و آورد به باد بی‌نیازی برداد

مولانا، همان: ۲۰۶

توجه دهی به عنصر محبت به موجودات عالم، انسان دوستی و هم‌چنین دوست داشتن خدایی که آدمی را آفرید از همان آغاز کودکی، روحیه نشاط و پویایی ویژه و انگیزه حرکت بی‌حدی را به آدمی می‌بخشد و ثابت شدن

همین موتور محرک در وجود انسان در سالهای بالاتر عمر که باعث شکوفایی شخصیت وی میشود و او را به هدف اصلی آفرینش رهنمون میشود که فنای در حق بقای به او است.

۸-۱ رابطه ایثار و صبر

ایثار و شهادت عالی‌ترین و دشوارترین مرحله از آزمایش و امتحان محبوب است این مرحله همواره با از خودگذشتگی و ایثار مال و جان همراه است. در این راه که سختی‌ها و دشواری‌های آن وصف‌ناشدنی است صبری ایوب وار آنچه را که محبوب می‌طلبد. در این مرحله اگر عاشق نباشی از فضیلت صبر خالصانه برای محبوب برخوردار نباشی از چشم محبوب می‌افتی و غایت نخواهی رسید، به راحتی میدان امتحان محبوب را ترک میکند مگر اینکه انسان عاشق باشد رنج دوری را تحمل کند.

ما زیان را ننگریم و قـال را ماروان را بنگـریم و حال را

ناظر قلبیم اگر خاشع بود گرچه گفت لفظ نا خاض بود

چند از این الفاظ و اضممار مجاز سوز خواهم با آن سوز ساز

(مولانا، ۱۳۷۳: ۲۲۶)

مال و سر افشان به پای فقر و جان ایثار کن کین متاع نازنین ناید به دستت رایگان

(حلاج، ۱۳۰۵: ۱۸۹)

گویند رابعه مناجات همی‌کرد و گفت الهی دلی که ترا دوست دارد به آتش بسوزی هاتفی گفت ما چنین نکنیم بما ظنّ بد مبر؛ و گفته‌اند حب دو حرفست حا و با اشارت بدو آنست که هرکه دوست دارد بگو تا از جان و تن بیرون آید؛ و چون اجماع است میان قوم که محبّت موافقت است و نیکوترین موافقت‌ها موافقت دل است و محبّت آنست که از دوی بیزاری ستانی زیرا که محبّ دائم با محبوب بود (قشیری، تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، ۱۳۷۴: ۵۷۲).

ای دل از عشق و دلربا داری سر سودای خود چرا داری

در طریق وفا ز روی صفا جان کن ایثار اگر وفا داری

(حلاج، ۱۳۰۵: ۱۶۳)

طبیعی است که انسان عاشق بیشتر در خلوت‌های خود به او فکر می‌کند، عاشق واقعی گذر زمان را نمی‌داند و در هر جا و مکان به معشوق فکر می‌کند و تنها می‌تواند با معشوق آرامش پیدا کند با عشق می‌توان به مقصود رسید. کاری که با عشق و محبت انجام شود به مراتب بهتر از عملی است که بدون علاقه درونی انجام شود و بهترین عمل نیز همین است که از قلب با تمام شوق و علاقه به آن پردازد. عارفان گفته است که: یک ساعت گرمی عشق و خلوص ضمیر از صدسال عبادت خشک سرد، برتر و بالاتر است (ستاری، ص ۲۶۶)

ما را همه هر چه هست ایثار تراست گوش از قبل سماع گفتار تراست

دیده نظر جمال بسیار تراست جان و دل و دین نثار دیدار تراست

(مبیدی، ۱۳۷۱: ۵۷)

۲-۸ رابطه ایثار و عشق

این نشان‌دهنده مقام بالای عشق است که از آن یادشده و کسی که با عشق و علاقه درونی عبادت می‌کند مقام بالاتر از کسی دارد که بدون عشق عبادت می‌کند، کسی که فقط عشق می‌ورزد برای رسیدن به معشوق، جان و مال خود را ایثار می‌کند و خودش را به معشوق نزدیک می‌سازد، این کشش معشوق است که عاشق را به سوی خود می‌خواهد. درباره عشق که هرم عرفان و کل هستی را شکل می‌دهد، مطالب بسیار از جانب عالمان و محققین بیان‌شده است چیزی که ما در این مبحث به دنبال آن هستیم ارتباط عشق با ایثار است.

صد نشان باشد درون ایثار را صد علامت هست و نیکو کار را

مال در ایثار اگر گردد تلف در درون صد زندگی آید خلف

در زمین حق زراعت کردنی تخمهای پاک آن‌گه دخل نی

مولانا، ۱۳۷۳: ۵۵۹

۳-۸ رابطه بخل و ایثار

ایثار، بخل را از ریشه میخشانند، چون حسد و بخل ورزیدن اصلاً در منطق ایثار نه نوشته شده و نه منعی دارد نه به آن میپردازد دنیا ایثارگران هزاران مرتبه از دنیا بخیلان بزرگتر و خوش آب هوایتر است، فقط این کوردلان هستند که تمام دغدغه مال و حب دنیا میباشد.

تازه میگیر و کهن را میسپار	چون هر امسالت فزون است از سه پار
گر نباشی نخل وار ایثار کن	که نه بر کهنه نه و انبار کن

(مولانا، ۱۳۷۳: ۶۷۳).

نتیجه‌گیری

از جمله ویژگی‌های بارز ابیات مولانا فوق‌العاده تأثیرگذار و جذاب و گیرا می‌باشد که در اشعارشان سراسر موج از اندیشه‌های دینی و ترویج فرهنگ ایثار محبت محور را در خود پرورانده است. دستاوردهای ادبی و هنر مولانا باعث ظهور و رشد اندیشه‌ها در شعر و هنر در عصر جدید زبان فارسی شده که بپتدید تأثیر شگرف برجهان بینی ایثار و فداکاری دنیایی اسلام دارد. ایثار از جمله چیزهای ارزشمند اعمال خوب بشریت بر خداوند است، زیرا ایثار گران پرچم کاروان انسانیت و عشق را در مسیر کمال منزل‌به‌منزل از وادی به وادی دیگر به دوش میکشند.

اگر ایثار که خواست مولانا بود در جامعه اندک تحقق پیدا کند هیچ مانع نمی‌تواند چون فرهنگ پرشور ایثارگری را خاموش کند نه تبلیغات پرزرق و برق غرب نه هجمه‌های تمام ناشدنی سیاسی و فرهنگی هیچ‌کدامشان، البته من حرف را به جرئت می‌گویم که حتی هجمه‌های تمام ناشدنی سیاسی و فرهنگی غرب در مقابل تئوری ایثار مولانا سر تعظیم فرود می‌آورد.

طبیعی است که انسان عاشق بیشتر در پنهانی‌ترین لایه تفکر خویش به او فکر می‌کند، اینست که عاشق واقعی گذر زمان و نیش کنایه نامحرمان و رنج‌ها را نمی‌داند و در هر جا و مکان به معشوق فکر می‌کند و تنها می‌تواند با معشوق آرامش پیدا کند با عشق می‌توان به مقصود رسید. کاری که با عشق و محبت انجام شود اسم آن را به‌جز از ایثار دیگر هر چه بنامیم جفا کرده‌ام؛ این ناعادلانه است که کار که با عشق انجام میشود برابر باکاری که با حيله و پول انجام شود برابر بدانیم و بهترین عمل نیز همین است که از قلب با تمام شوق و علاقه به آن پردازد.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم.

۱. ابوعلی عثمانی، ابوالقاسم عبدالکریم القشیری (۱۳۷۴)، رساله قشیریه (ترجمه)، مصحح، بدیع الزمان فروزانفر، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۲. ابن عربی، محی‌الدین، الفتوحات المکیه بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳. استعلامی، محمد، (۱۳۶۲)، مثنوی جلال‌الدین محمد بلخی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات، زوآر.
۴. بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۳)، دیوان کبیر شمس، تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، تهران: طلایه.
۵. بینا، محسن (۱۳۷۳)، مقامات معنوی، چاپ، هشتم، تهران، علامه طباطبائی.
۶. حسین‌السلامی، ابو عبدالرحمن محمد (۱۳۸۵)، نخستین زنان صوفی، مترجم: مریم حسینی، تهران: نشر علم.
۷. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، لغتنامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۸. زرین‌کوب عبدالحسین، (۱۳۶۸)، بحر در کوزه، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.
۹. _____، (۱۳۷۰)، مثنوی جلال‌الدین محمد بلخی، جلد پنجم، چاپ اول، تهران: انتشارات زوآر.
۱۰. غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۸۳)، کیمیای سعادت، مصحح: حسین خدیو جم، ج ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. غزالی، ابو حامد محمد و خوارزمی، مؤید‌الدین (۱۳۸۶)، ترجمه احیاء علوم الدین، مصحح: حسین خدیو جم، ج ۴، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۱۲. فرزانه، بدیع‌الزمان (۱۳۶۵)، احادیث مثنوی، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. _____، (۱۳۶۲)، قصص و تمثیلات مثنوی، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۴. فرشباغیان، احمد، (۱۳۸۷)، مشرب عرفانی امام خمینی (ره) و حافظ (برسی مضامین مشترک در دیوان امام و حافظ)، چ سوم، تهران: چاپ و نشر عروج.
۱۵. کاشانی، ملا محسن فیض و عارف، سید محمد صادق (۱۳۷۲)، راه روشن، ج ۸، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۶. گوهرین، سید صادق، (۱۳۶۲)، فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوآر.
۱۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۴)، سیری در نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
۱۸. منصور حلاج، حسین (۱۳۰۵)، دیوان منصور حلاج، بمبئی: چاپخانه علوی.
۱۹. مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی، (۱۳۷۳)، مثنوی معنوی، تصحیح: توفیق، سبحانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

۲۰. مبدی، ابو الفضل رشید الدین (۱۳۷۱)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۲، تصحیح، علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۱. نراقی، محمد مهدی (۱۲۰۹ ه ق)، جامع السعادات، ج ۲، مصحح: سید محمد کلانتر، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۲. نیشاپوری، فرید الدین عطار (۱۳۸۴)، دیوان عطار، مصحح، تقی تفضلی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. هجویری، ابو الحسن علی (۱۳۷۵)، کشف المحجوب، محقق / مصحح: و- ژوکوفسکی / والتتین آکسی یریچ، تهران: طهوری.